

جورج برنارد شا

خواستگاری در دهکده

ترجمه

نیلوفر همت یار

مهرداد یوسف پوریان



انتشارات هرمس

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Village Wooing
George Bernard Shaw



تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ونک، شماره ۲۴۹۳ - تلفن: ۸۸۷۹۵۶۷۴

استگاری در دهکده

ج. برنارد شاو

ترجمه: مهرداد یوسف پوری نعیم و نیلوفر همت‌یار

طبع: خانه واحد افیک، هرمس

چاپ: ۱۳۹۶

تیراژ: ۶۰ نسخه

چاپ: روم

همه حقوق محفوظ است

سرشناسه: برنارد شاو، جورج، ۱۹۵۰-۱۸۵۶ م.

Bernard Shaw

عنوان و نام پدیدآور: خواستگاری در دهکده / جورج برنارد شاو

ترجمه مهرداد یوسف پوری نعیم، نیلوفر همت‌یار

مشخصات نشر: تهران: هرمس، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۶۰ ص.

شابک: 978-964-363-982-2

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Village Wooing

موضوع: نمایشنامه انگلیسی - قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: یوسف پوری نعیم، مهرداد، ۱۳۶۴ - مترجم.

شناسه افزوده: همت‌یار، نیلوفر، ۱۳۶۷ - مترجم.

رده‌بندی کنگره: PR

رده‌بندی دیویی: ۸۲۲/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۶۹۳۲۹

فهرست

۱	پیشگفتا	مرجم
۷	در ره نمانده	
۹	گفت و گوی	اس
۲۱	گفت و گوی	دوم
۲۵	گفت و گوی	سوم

پیشگفتار مترجم

خداوند متعال را سپاس! کتابی که پیش رو دارید ترجمه‌ای عامیانه (منطبق با سبک اثر اصلی) و به زبان امروزی است از یکی از آثار نمایشنامه‌نویس بریتانیایی، جورج برنارد شا، به نام خواستگاری در دهکده^۱.

شا، اساسی‌ترین پرسشی که ممکن است از همین ابتدا به ذهن خواننده خطور کند، دلیل انتخاب این نمایشنامهٔ نه چندان شناخته‌شده برای ترجمه باشد. تصمیمی که مدت بردن از خواندن یک اثر و تلاش برای تقسیم آن احساس لذت با دیگران، دلیل کافی برای ترجمهٔ آن اثر باشد. با وجود این، دلایل مختلف دیگر، از جمله موارد انتخاب این اثر برای ترجمه می‌توان ذکر کرد.

در حالی که اهل ادب جورج برنارد شا، اغلب با آثاری تراز اول همچون پیگمالیون، بشر عادی و بشر عالی و سلاح‌های بی‌شماری می‌شناسند، به منظور شناخت بهتر، جامع‌تر و البته دقیق‌تر این شخصیت برجستهٔ ادبی، لازم است آثار «درجه دوم» این نویسنده نیز مورد نقد و بررسی قرار گیرند. - را که شا تنها خالق شاهکارهایش نیست، بلکه او آثار دیگری مانند خواستگاری در دهکده را نیز خلق کرده است. اما از آنجایی که این اثر تاکنون - تا جای حد - با اطلاع داریم - به فارسی برگردانده نشده است، خوانندهٔ فارسی‌زبان امتحان خواندن آن را تا به امروز نداشته است.

فارغ از تمامی این مسائل، من خود را از نُه سال پیش به نوبه‌ای مسئول

ترجمه این نمایشنامه می دانستم. در اینجا، لازم می دانم از استاد عزیز خود، جناب آقای دکتر رضا دیداری، یادی کنم. ایشان در درس «ترجمه ادبی» این نمایشنامه را برای ترجمه پیشنهاد کردند و من از خواندن آن بسیار لذت بردم و تصمیم گرفتم در آینده آن را به فارسی برگردانم. چندباری نیز قرار شد با همکاری افراد مختلف این کار را انجام دهم، اما هر بار مشکلی رخ می داد که مانع پیشرفت کار می شد تا اینکه موقعیتی فراهم شد تا این پروژه را به همراه سرکار خانم نیلوفر همت یار از سر بگیرم. ایشان، که فارغ التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه شهید بهشتی و در حال حاضر دانشجوی دکتری همین رشته در دانشگاه آزاد تهران مرکز هستند، با تخصص و همت بالای خود کمک شایانی در اتمام این ترجمه بودند. بدون همکاری ایشان، شاید این کتاب تا سالها امکان چاپ نمی یافت.

البته لازم به یادآوری است، خواندن هر اثر هنری به زبان اصلی آن هیچ گاه قابل قیاس با خواندن ترجمه آن نیست. این امر حتی باعث شده است افرادی ترجمه ادبی را یکسره به نسی بیهوده و کاری مذموم و اشتباه تلقی کنند. از سوی دیگر، عده ای ترجمه ادبی را هم تراز اثر ادبی می دانند، چرا که در ترجمه ادبی نیز مترجم، هم زمان با اثرش در جهت اسانت داری کلام نویسنده، به خلق اثری جدید دست می زند. نکته ای است که اینک کلام نظر را بیش تر می پسندیم، سخت می توان منکر این نکته شد. اما نکته ای که امکان خواندن اثری هنری برای یک خواننده فراهم نیست، خواندن ترجمه آن از آن اثر بهتر از نخواندن آن اثر است. گرچه ممکن است برخی در ظاهر با این عقیده نیز مخالف باشند، به نظر می آید خود آن افراد در عمل تابع این عقیده باشند. شاید از همین روست که تقریباً همگی ما تجربه خواندن ترجمه فارسی حداقل یک اثر ادبی را در زندگی خود داشته ایم، و در صورت نیاز، این تجربه را در آینده نیز تکرار خواهیم کرد.

نظر شخص شا در زمینه ترجمه ادبی نیز شایان توجه است. شا در سال

۱۹۲۵ موفق به دریافت جایزه نوبل شد، اما در ابتدا از پذیرش آن خودداری کرد. بعدها، با پذیرش جایزه خود به اصرار همسرش، تصمیم گرفت مبلغ نقدی آن را صرف ترجمه آثار نمایشنامه‌نویس سوئدی، یوهان آگست استریندبرگ،^۱ به انگلیسی کنند. این امر خود بیانگر دیدگاه کاملاً مثبت شا در مورد ترجمه ادبی است. بدین ترتیب، چندان غیرمنطقی به نظر نمی‌رسد که بتوان چنین نتیجه گرفت که شا خود از ترجمه آثارش به زبان‌های دیگر سیار استقبال می‌کرده است.

انتخاب زبان محاوره‌ای شکسته در ترجمه این اثر دلایل مختلفی دارد. در دجه اول، از آنجایی که شا خود در اثر اصلی به طور گسترده از زبان عامیانه محاوره استفاده کرده است، در ترجمه نیز سعی شده همان سبک و سیاق نویسنده حفظ شود. دلیل دیگر به نوع اثر و هدف مخاطب از خواندن آن بازمی‌گردد. خوب تازی در گذشته، هم‌زمان با انعکاس نظر نویسنده در مورد مقوله مهم ازدواج، انتقال مفاهیم قابل تأمل در این زمینه، نوعی خواندن تفریحی و لذت‌بخش (pleasure) شمرده می‌شود و به همین دلیل روانی متن اهمیتی دوچندان می‌یابد. زبان محاوره شکسته به روان‌تر شدن متن کمک می‌کند. اگرچه ممکن است عده‌ای بنا به دلایل گوناگون (از جمله مطالعه فراوان) بر این عقیده باشند که زبان غیرشکسته نیز، اگر ماهرانه نوشته شده باشد، می‌تواند روان خوانده شود. جایز است که نویسنده این پیشگفتار) بهتر با زبان شکسته ارتباط برقرار کند.

چنان‌که ذکر شد، زبان شا در نمایشنامه‌هایش به طور عمده عامیانه و دراز از تکلف است. از آنجایی که حرکت در نمایشنامه‌های او بسیار اندک دیده می‌شود و بیش‌تر مفاهیم به واسطه گفت‌وگوی شخصیت‌ها به خواننده منتقل می‌شود، زبان نقش پررنگ‌تری به خود می‌گیرد. زبان روان و عامیانه شا تا حدی متأثر از نوع نمایشنامه‌نویسی او نیز بوده است. می‌گویند شا نخست

به موضوع مورد نظر خود می‌اندیشید و سپس دست به قلم می‌شد و هر آنچه را در لحظه از ذهنش عبور می‌کرد بر کاغذ می‌آورد. همین بداهه‌نویسی می‌تواند به طبیعی جلوه کردن زبان او کمک بسیاری کرده باشد. در ترجمه حاضر نیز سعی شده، با بهره‌گیری از زبان شکسته، گفت‌وگوهای شخصیت‌ها به نظر خواننده طبیعی آیند.

درست است که اکثر مترجمان و نویسندگان زبان معیار را به شکسته‌نویسی ترجیح می‌دهند، اما بد نیست در مورد برخی دلایل این امر نیز اندک بیندیشیم. معمولاً، انسان دوست دارد در زمرة باسودان و صاحبان علم قرار گیرد و از آنجایی که شکسته‌نویسی جایگاهی در نوشتار علمی و جدی ندارد، به همان اندازه که شکسته می‌نویسد جدی گرفته نشود. از این رو، عده‌ای، به احتیاط، به سمت شکسته‌نویسی نمی‌روند. دلیل دیگر، که با آن اواسیر تباط دارد، نقش انکارناپذیر سیاستگذاران و «تجویزگران» (pre-emptivists) زبان است. این افراد غالباً خود را مسئول حفظ و «سلامت» زبان می‌دانند و سعی می‌کشند زبان را از «ناخالصی‌ها» پاک کنند. آن‌طور که در طول تاریخ زبان‌های مختلف دیده شده، عموم چنین افرادی دارای افکار سنتی و نامتناسب هستند. زمانه خود بوده‌اند که در پایان نیز ره به جایی نبرده و در برابر سبک تکامل جامعه و زبان تاب نیاورده‌اند. چنین گرایشی را شاید بتوان به یکی از آن‌ها «علم‌آموزی مرتبط دانست: کسی که عمر خود را صرف آموختن دانش خالص می‌کند، خواسته یا ناخواسته، ممکن است نسبت به آن دانش نوعی تعصب پیدا کند. عده‌ای است کسی که سال‌ها زبان معیار را در آثار بزرگان خوانده است و خوشبختانه به آن زبان نوشته نتواند زبان شکسته را تحمل کند.

در پایان، بر خود لازم می‌دانم بار دیگر از سرکار خانم نیلوفر همت‌یار، که پیشنهاد همکاری در انجام این ترجمه را پذیرفتند، قدردانی کنم. از دوست گرامی و نویسنده و مترجم فرهیخته، جناب آقای صالح طباطبایی، نیز سپاسگزارم که ویرایش زبانی متن را عهده‌دار شدند. همچنین، از پدر بزرگوار

پیشگفتار مترجم ۵

خود تشکر می‌کنم، که نسخهٔ اولیهٔ ترجمه را مطالعه نمودند و ما را از نظرات ارزشمند خود مطلع ساختند. داور انتشارات هرمس نیز ما را از نظرات حرفه‌ای خود بر روی نسخهٔ نهایی کار بهره‌مند ساختند، که لازم است از ایشان نیز سپاسگزاری کنم. گرچه ترجمهٔ کوچکی بود، افراد زیادی، از جمله استادان گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه شهید بهشتی، در تکمیل و ارتقای کیفیت آن نقش داشتند.

مهرداد یوسف‌پوری نعیم

تابستان ۱۳۹۳